

جایگاه نخبگان سیاسی بختیاری در وقوع انقلاب اسلامی و جایگاه آنان در ساختار قدرت در ایران پس از انقلاب

نجف مهدی پور^۱ - فریدون اکبرزاده^{۲*} - لنا عبدالخانی^۳ - حامد محقق نیا^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۶

چکیده:

این مقاله به نقش نخبگان بختیاری در وقوع انقلاب اسلامی و ساختار پس از آن می‌پردازد. فرضیه مقاله آن است که نخبگان بختیاری در وقوع انقلاب اسلامی و سپس پیکربندی سیاسی حکومت و پس از آن ایفای نقش کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که این نخبگان از طریق اقداماتی همچون فتح تهران و سپس رقابت و رصد تحولات سیاسی و اجتماعی کشور (مبارزات ضد رژیم شاهنشاهی) و سپس پذیرش غیرمغرضانه مصالح انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران (از قبیل کنار گذاشتن سلاح و سیستم پاتریمونیال دوران قبل و کنار آمدن با تشکیلات دموکراتیک) و سپس وفاداری به انقلاب اسلامی و مفاهیم حیاتی آن از قبیل دفاع مقدس، مشارکت حداکثری سیاسی و اجتماعی در جهت غنای همه جانبه مفهوم نوظهور دولت-ملت، داشته‌اند. روش تحقیق در این مقاله توصیفی تحلیلی و گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: نخبگان سیاسی، ایل بختیاری، ساختار قدرت، انقلاب اسلامی، ایران

JPIR-2012-1723

^۱ - دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

^۲ - استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران: نویسنده مسئول

drfereydoun.akbarzadeh@yahoo.com

^۳ - استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

^۴ - استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

مقدمه

روش پژوهش در این تحقیق گردآوری مستندات تاریخی است به این شکل که با ملاحظه ویژگی‌های نخبگان سیاسی بختیاری و ساختار جامعه عوامل مختلف تأثیرگذار بر جهت‌گیری نخبگان سیاسی در مقاطع مختلف استخراج شده است. دقیقاً هدف این مقاله این است که مشخص شود نقش نخبگان سیاسی بختیاری در وقوع انقلاب اسلامی و جایگاه آنان در ساختار قدرت در ایران پس از انقلاب چیست؟ در جهت بررسی این هدف جمع‌آوری داده‌ها به شیوه کتابخانه-ای با رویکردی فعال مورد نیاز بوده است که به آن پرداخته شد. صرفاً به بیان عملکرد نخبگان فکری و ابزاری بختیاری‌ها اکتفا ننموده بلکه به تحلیل و تطبیق نتایج گردآوری اقدام شد. در این راستا برخوردای از مطالعات قبلی تحت عنوان پیشینه تحقیق راهگشاست و به نوعی گرای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نخبگان بختیاری در دوره‌های مختلف می‌باشد که به آنها اشاره می‌شود.

پیشینه تحقیق

پروفسور جن. راف. گارثویت استاد تاریخ کالج دارتمونت آمریکا است. کتاب تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری (با استفاده از اسناد منتشر نشده وزارت خارجه انگلیس) را در سال ۱۹۶۹ میلادی به رشته تحریر درآورده است. این کتاب در واقع رساله تحصیلی وی بوده که با نام «خوانین بختیاری و تفرقه ایلی ۱۸۸۰-۱۹۱۵» و توسط محراب امیری ترجمه شده است. بیشتر مطالب کتاب از روی اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلیس که از اوایل قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم تعیین کننده سیاست ایران بود تدوین شده است.

آهنجیده (۱۳۷۴) در کتاب ایل بختیاری و مشروطیت که در واقع مستخرج پایان نامه دکتری وی می‌باشد به بحث پیرامون نقش بختیاری‌ها در جریان نهضت مشروطه و چگونگی فتح تهران به دست آنها می‌پردازد. در فصل آخر به وضعیت بختیاری‌ها از شهریور ۱۳۲۰ تا انقلاب اسلامی به صورت اجمالی پرداخته شده است.

پروفسور جن. راف. گارثویت (۱۳۷۵) در کتاب بختیاری‌ها در آیین تاریخ، تاریخ استان‌های چهارمحال و بختیاری، یزد، اصفهان، تاریخ ایران، تاریخ عمومی آسیا و خاور دور، تاریخ، جغرافیا و علوم وابسته به نگارش درآورده است. امیری (۱۳۸۵) در کتاب حکومتگران بختیاری تاریخ قوم بختیاری از دوره‌های آغازین تا عصر حاضر را مطالعه نموده است و محور اصلی کتاب معرفی حکومتگران بختیاری است. بهرامی آسترکی (۱۳۸۴) بختیاری در کتاب شاهکار ایل بختیاری تاریخ سیاسی بختیاری از ایلام تا زندیه را بررسی کرده و با نگاهی اجمالی بر زمینه‌های پیدایش

نهضت مشروطیت در ایران، علل گرایش بختیاری‌ها به نهضت مشروطیت، نقش اساسی ایل بختیاری در پیروزی انقلاب مشروطه و رخدادهای پس از استقرار مشروطیت تا کابینه‌ی دوم صمصام السلطنه بختیاری (۱۳۳۱ ه.ق) را تجزیه و تحلیل کرده است. شیرانیان (۱۳۸۴) در کتاب سیری در تاریخ بختیاری ابتدا نگاهی می‌افکند بر تاریخ و نژاد مردم بختیاری، سپس ساختار و نظام ایل بختیاری و گذشته‌ی این ایل را معرفی می‌کند. بیان قرارداد شرکت نفت بختیاری و خلاصه‌ای از قرارداد بین شیخ خزعلی و خوانین بختیاری و بررسی تاریخ سیاسی ایل بختیاری از زمان محمود شاه افغان تا پیروزی انقلاب اسلامی در بخش دیگری از این کتاب آمده است. کرد (۱۳۸۹) در کتاب شناسنامه و تاریخ کامل قوم بختیاری (کرد و لر) با اشاره به فراز و فرودهای اقتدار «ایل بختیاری» در طول تاریخ و تاثیر توان سیاسی و رزمی نظامی بختیاری-ها بر تحولات و تطورات تاریخی، نقش بختیاری‌ها در پیروزی و پاسداشت مشروطیت را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. بختیار (۱۳۸۷) در کتاب اسناد برگزیده بختیاری‌ها در تاریخ معاصر ایران گزیده‌ای از هزاران سندی را که در کتابخانه ملی ایران موجود می‌باشند جمع-آوری نموده است. این اسناد غالباً اسناد دستی شامل قراردادهای، صلح نامه‌ها، نامه‌ها و تلگراف‌ها است. علم و بهرامی همیشه نژاد (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای به بررسی علل و زمینه‌های ورود بختیاری‌ها به انقلاب مشروطیت پرداختند. در این مطالعه علل قومی، سیاسی، خارجی، داخلی و اقتصادی ورود سران بختیاری به انقلاب مشروطیت مورد بحث قرار گرفت. عبدالمهدی رجایی (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای به بررسی نقش بختیاری‌ها در انقلاب مشروطه از فتح اصفهان تا فتح تهران پرداخت. در این مقاله نویسنده به دلایل و چگونگی فتح اصفهان و فتح تهران توسط سردار اسعد و سپاهش پرداخته است. مهرداد افشون (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی ابعاد شخصیتی تیمور بختیار و نیز زندگی سیاسی وی از ریاست ساواک تا ترور وی در کنار مرزهای ایران پرداخته است. کتابی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان نقش مؤلفه‌های مختلف در جهتگیری فرهنگ سیاسی نخبگان پهلوی دوم، به بررسی فرهنگ سیاسی نخبگان ایران در دوره پهلوی دوم و تأثیرپذیری آن از مؤلفه‌های مختلف پرداختند. فرضیه اصلی مقاله این است که فرهنگ سیاسی نخبگان ایران به عنوان یکی از دو بعد مهم فرهنگ سیاسی (بعد دیگر آن فرهنگ سیاسی توده‌ای است) دارای ویژگی‌هایی همچون بدبینی سیاسی، بی‌اعتمادی شخصی، احساس عدم امنیت آشکار است. این فرهنگ از دید این پژوهش تحت تأثیر شاخص‌هایی همچون عوامل ادارکی، مدیریتی و اجتماعی است.

مبانی نظری

پاره‌تو جامعه را به دو بخش توده‌ها و نخبگان و نخبگان را به دو بخش نخبگان حاکم و نخبگان غیرحاکم طبقه‌بندی می‌کند. معیارهای عمده و اصلی برای نخبه بودن در زمان قاجار و پهلوی تمکن، خرید زمین، منصب و قدرت سیاسی بود. نخبگان از دیرباز تاکنون نقش مهمی در تحولات جوامع در ابعاد مختلف داشته و دارند به همین دلیل نگرش‌ها و گرایش‌های نخبگان سیاسی همواره یکی از تأثیرگذارترین عوامل بر ساختارهای سیاسی جوامع گوناگون بوده‌اند. این تأثیرگذاری بدان پایه است که گرایش‌های فکری و ایدئولوژیک نخبگان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی و نظامی حاکمیت‌ها، نمود عینی و عملی پیدا می‌کنند. (اندرو هی وود، ۱۳۷۹، ۲۶-۲۸؛ راش، ۱۳۷۷، ۲۱۴-۲۱۷؛ باتامور، ۱۳۶۹، ۷۷) مبتنی بر این سابقه واژه «نخبه»، از نظر اجتماعی، برای اشاره به گروهی برتر از نظر توانایی‌ها یا امتیازات به کار می‌رود. در واقع «نخبگان به گروه کوچک و بسته‌ای از افراد اطلاق می‌شود که از توانایی‌ها و امکانات برتری برخوردارند» (کوئن، ۱۳۸۲: ۳۰۲) و هنگامی که در عرصه‌ی سیاست تعریف شود دلالت بر افرادی می‌کند که ابزارهای اعمال قدرت را در اختیار دارند. بنابراین می‌توان گفت که ماهیت و اهداف جوامع عمدتاً توسط نخبگان آن تعیین می‌شود. مطابق این نظر، شکل‌گیری هویت‌های قومی، نتیجه‌ی نقش نخبگان در بسیج توده‌ها در شکل‌دادن به یک سیاست است. (Sejersted, 2003: 109, McCrone, 1998: 10, Zuelow, 2007: 13)

از نظر گی روشه نخبگان به تکنوکراتیک، سنتی و مذهبی، مالکیت، کاریزماتیک، سمبولیک، ایدئولوژیک تقسیم می‌شوند... (گی روشه، ۱۳۷۰: ۱۵۳)

حکومت قاجارها در قبل از مشروطه و جایگاه نخبگان (فکری و ابزاری) در آن

در این دوره حفظ پایداری قدرت نخبگان نه تنها به میزان برخورداری از حمایت خارجیان به خصوص روس و انگلیس بلکه به عدم وجود دولت مرکزی قدرتمند در ایران و نیز به شدت از میزان همبستگی‌های خانوادگی مرتبط می‌باشد. بررسی تاریخی فعالیت صدراعظم، وزیران، والیان ایالات و دیگر نخبگان فکری و سیاسی ما را به این واقعیت می‌رساند که در (۱۳۰ سال) حکومت قاجارها، نخبگان به خصوص سیاسی آن، به صورت موروثی بر ایران حکومت می‌کردند به عبارت دیگر مسئله خویشاوندگرایی از مشخصات مهم نظام نخبه‌گرایی این دوره است و این نظام نخبه‌گرایی با عنوان یکی از انواع نظام‌های تکامل یافته موروثی باعث حذف چهره‌های برجسته‌ای مانند قائم‌مقام، امیرکبیر و ... شد و نتیجه این خویشاوندگرایی در تمام مناصب مهم اعم از صدارت، وزارت، سفارت و ... به علم و لیاقت و دانش بستگی نداشت؛ در حقیقت

به قدرت رسیدن ایل قاجار نوعی انحصار ایلاتی جدید در ساختار قدرت بوجود آورد که با ساختار قدرت ایالات حکمرانان قبلی کاملاً فرق می‌کرد. ایل قاجار برای تثبیت موقعیت خود از طریق واگذاری مسئولیت اداره امور سیاسی و مالی ایالات و ولایات به شاهزادگان با انحصاری کردن حکومت در خانواده شاهی متوسل می‌شد، قاجاری کردن ایران برای ایل نتایج مهمی از جمله تحکیم اساس سلطنت، پیدایش قشر جدید از مالکان و زمینداران بزرگ و ایجاد دربارهای ایلاتی و ولایتی قدرتمند، در پی داشت و در این راه همچنین قاجارها از ارتباط با محافل خارجی و کمک برای تشکیل و تحکیم حکومت خود نیز بهره و کمک می‌گرفتند. (ازغندی، ۱۳۸۴: ۷۰۹)

ملک‌زاده سه طبقه در ایران قبل از مشروطه را شناسایی می‌کند: طبقه اول و دوم همان رجال دولت و شاهزادگان و روحانیون که شامل: «روسای ایل قاجار، شاهزادگان، درباریان، تیولداران مستوفیان، وزراء، فرمانفرماها و اشراف بزرگ و این نخبگان اطرافیان و نزدیکان شاه را تشکیل می‌دادند و اکثر مناصب دولتی را در اختیار داشتند و نیز ایت‌های محلی را شامل می‌شود که عبارت بودند از: اعیان و اشراف محلی، خوانین، صاحب‌منصبان محلی و میرزاها، همچنین گروهی از روحانیون که دارای مقامات دینی مانند امام جمعه و شیخ الاسلام و قضات بودند، با اینکه کمی از اوضاع جهان مطلع بودند ولی تمام تلاش خود را در حفظ و نگهداری قدرت حکومت استبدادی و نفوذ روحانی نمایان به کار بردند و با اینکه از عقب‌ماندگی ایران مطلع بودند ولی چون خود سبب آن بودند کاری برای آن انجام نمی‌دادند و نیز اجازه‌ی سرپیچی به احدی از کارهای خود نمی‌دادند و طبقه‌ی سوم توده مردمی اهم آن عوام که اکثریت ملت را تشکیل می‌دادند که بیسواد، کور همانند حیوانات اهلی، بی‌اطلاع، طوق بندگی مقلد دستگاه جبار، مخالف آزادی و اصلاحات اجتماعی بودند به طوریکه اگر هم کسی می‌خواست در زندگی آنها تحول ایجاد کند به مخالفت با آن می‌پرداختند. (ملک‌زاده، ۱۳۸۳: ۷۹-۷۸)

وقوع انقلاب مشروطه و خواستگاه نخبگان بختیاری در آن

در پایان قرن نوزدهم تغییراتی در قشربندی‌های طبقات مختلف مردم و نخبگان رسمی و غیررسمی به وجود آمد. به این ترتیب که با افزایش تدریجی جمعیت شهرها و رشد شهرنشینی و نیز با فروش زمین‌های دولتی (به‌خاطر مشکلات مالی داخلی و نظامی و خارجی) زمینداران بزرگی از میان طبقه تجار و دیگران وارد میدان شدند و فئودالیسم شهری را به وجود آوردند و از سوی دیگر همین تجار، بنیانگذار یک نوع برژوازی ملی شدند و با همکاری درس خوانده‌ها که تعدادشان روزافزون شده بود (که این نتیجه کوشش‌های اصلاحی امیرکبیر صورت گرفته بود) و نیز با آغاز نهضت ترجمه (که توسط عباس میرزا در ایران آغاز شده بود) و ترجمه

کتاب‌های گوناگون برای دارالفنون و مدرسه علوم سیاسی و ازسویی دیگرکنجکاوی درس خوانده‌ها برای آگاهی بیشتر از اوضاع تاریخی و اجتماعی اروپا، روزافزون شد و نیز تاسیس مدارس جدید به خصوص بعد از دوره ناصرالدین شاه که هدف اولیه آن تربیت ماموران مجرب و مطلع برای وزرای خارجه بود و نشر روزنامه‌ها و نقش فراماسون‌ها که توسط ملک‌مخاں در زمان ناصرالدین شاه تاسیس شده بود، زمینه‌های پیدایش حکومت برپایه توده‌ها را به وجود آورد و انقلاب مشروطه بلاخره در زمان پادشاهی مظفرالدین شاه نشر و نمو یافت و به پیروزی رسید. (بهنام، ۱۳۸۳: ۱۴۸) از نخبگان و چهره‌های تاثیرگذار سیاسی و نظامی بختیاری در ساختار قدرت دوره مشروطه می‌توان به این شخصیت‌ها اشاره کرد: ۱- سردار اسعد بختیاری ۲- صمصام السلطنه بختیاری ۳- زرغام السلطنه بختیاری ۴- سردار مریم بختیاری ۵- لطفعلی خان امیرمفخم بختیاری که تاثیرات شگرفی در تحولات سیاسی و اجتماعی از خود برجای گذاشتند.

آغاز دوران پهلوی و خواستگاه نخبگان بختیاری در آن

سه ستون نهادین نظام رضاخانی را «ارتش، دیوان‌سالاران و درباریان به‌طور اخص تشکیل می‌دادند به طوری که بعدها عمده‌ترین نیروهایی که از او حمایت کردند عبارت بودند از: ارتش، دیوان‌سالاران، بازرگانان برخوردار از انحصار، صاحبان صنایع جدید و بخش‌هایی از روشنفکران. عمده‌ترین مخالفان او هم روحانیت، عشایر و ایلات، روشنفکران مترقی و طبقه کارگر که بیرحمانه نیز از سوی او سرکوب شدند». (فوران، ۱۳۸۹: ۳۷۴)

در این دوره نظامیان برخلاف دوره قاجار جای خان‌ها را گرفتند بنابراین به جهت اینکه بختیاری‌ها از قدرت ایلی و نظامی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بودند در این مقطع نیز نخبگان نظامی بختیاری از قبیل سران ایلات و عشایر بختیاری و خوانین در امتیازات نفت خوزستان سهمیم و اراضی کشاورزی وسیعی در اختیار گرفتند و در مجموع از توان اقتصادی بخش قابل توجهی برخوردار شدند. سران بختیاری در روز تاجگذاری رضاشاه مالیات را به شاه جدید دادند. در خوزستان، فارس، بلوچستان، لرستان، کهگلویه و بویراحمد درکنار سربازان دولت جنگیدند و حتی افرادی همانند جعفرقلی خان بختیاری و محمدتقی خان اسفندیاری در ساختار قدرت رضاشاه قرار گرفتند. ولی این همراهی دیری نپایید و به زودی بخش قابل توجهی از سران ایل بختیاری علیه دولت مرکزی شوریدند. جنگ بختیاری‌ها و رضاشاه چند سال پس از تاجگذاری یعنی در سال ۱۳۰۸ به رهبری علیمردان خان (فرزند سردار مریم بختیاری) را در همین راستا می‌توان در نظر گرفت. (آهنجیده، ۱۳۷۴: ۲۷۶-۲۷۵)

نخبگان فکری این دوره هم که بیشتر تحصیلکرده اروپا و عده‌ای هم آمریکایی بودند، اکثراً

از محصولینی از طبقات مختلف و حتی کم درآمد که با بهره‌برداری از بورس‌های دولت به غرب رفتند و در بازگشت امور مهم را در داخل دولت و یا در مشاغل آزاد به دست گرفتند و این عامل که ایده تحصیل خوب، زندگی خوب را پدید می‌آورد سبب پیدایش تحرک در جوانان هم شد و آنها این را فهمیدند که اصل و نسب نیست که به انسان هویت می‌بخشد، این نخبگان بعداً توانستند زیربنای اقتصادی و اجتماعی ایران مدرن را پایه‌گذاری کنند. (بهنام، ۱۳۸۳: ۱۵)

بنابراین با چنین استراتژی و مقوله اسکان عشایر از کارکرد و نفوذ نخبگان بختیاری بطور قابل ملاحظه‌ای کاسته شد. زیرا نظام مالکیت که متغیری مهم در آن زمان بود به شکل قابل ملاحظه‌ای در بین نخبگان بختیازی تقلیل پیدا کرد.

شروع حکومت پهلوی دوم و خاستگاه نخبگان بختیاری در آن

بعد از سال ۱۳۲۰ ه.ش شاه جدید می‌کوشید تا حد امکان با یافتن دوستان بیشتری موقعیت خود را حفظ کند، وی برای جلب اعتماد متفقین همکاری کامل با آنها، حتی فرستادن نیروی داوطلب جنگ به اروپا را پذیرفت، متفقین نیز با امضای معاهده‌ای متعهد شدند که تا شش ماه پس از پایان جنگ نیروهای خود را از ایران بیرون ببرند و از خاندان پهلوی برای حکومت پشتیبانی کنند. شاه جدید همچنین برای مطمئن ساختن مردم و نخبگان از برنگشتن دیکتاتوری، همه‌ی زندانیان سیاسی را آزاد کرد، جنایتکاران و مستبدین قبلی را محاکمه کرد، زمین‌های وقفی را به موسسات مذهبی بازگرداند، دانشکده الهیات را در دانشگاه تهران تأسیس کرد، بسیاری از زمین‌های ارثی را به دولت واگذار کرد تا در بین مالکان سابق آن زمین‌ها تقسیم شود و سعی کرد خود را یک جوان غیر سیاسی تحصیل کرده کشور دموکراتیک سوئیس که همواره از حکمرانی مستبدانه پدرش ناراضی بود نشان دهد، او مراسم سوگند را در برابر نمایندگان مجلس انجام داد، امتیاز مصونیت پارلمانی نمایندگان را دوباره معتبر ساخت، استفاده از القاب اشرافی قدیم را در مراسم درباری تشویق کرد، ژاندارمری را به وزارت کشور واگذار کرد. در این دوره شاه قدرتش را مثل پدرش بر روی سه ستون استوار کرد: «۱. نیروهای مسلح ۲. شبکه حمایتی دربار ۳. دیوان سالاری گسترده و نیز ستون چهارم نگه‌دارنده قدرت شاه تأسیس نظام حزبی وابسته بود». (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۲۱۷) مطابق این تاکتیک نخبگان و چهره‌های بختیاری تاثیرگذار سیاسی و نظامی بر ساختار قدرت در این وارد عرصه شدند. نخبگانی از قبیل: جعفر قلی خان اسعد، محمد تقی خان بختیاری و علیمردان خان بختیاری. بنابراین پس از سرنگونی رضا شاه مطابق روش‌های دموکراتیک محمدرضا شاه صفحه جدیدی در تاریخ مناسبات ایل بختیاری‌ها با پهلوی‌ها باز شد. در این دوره محمدرضا شاه با خانم ثریا اسفندیاری فرزند خلیل

خان بختیاری ازدواج کرد و زمینه ورود مجدد بختیاری‌ها به سطوح میانی و عالی ساختار قدرت فراهم شد. نخست وزیری شاپور بختیار و ارتقاء تیمور بختیار از مهمترین آثار این دوره به شمار می‌رود. اما در ادامه با اجرای طرح اصلاحات اراضی، خوانین بختیاری باز مقدار زیادی از قدرت و ثروت خود را از دست دادند.

ساختار قدرت سیاسی، اجتماعی نخبگان بختیاری در انقلاب اسلامی

از بررسی توصیفی وضعیت زیستواره اجتماعی و فرهنگی ایل بختیاری در بخش‌های قبلی پژوهش حاضر طی دوره‌های مختلف چنین به نظر می‌رسد که بدنه اصلی هرم جامعه بختیاری از عشایر ساده تشکیل می‌شد که همه‌ی مسئولیت پرداخت‌ها و دادن سوار جنگی به دوش آنان بود و در حقیقت قاعده‌ی این هرم بودند، که همه‌ی بارهای اجزای دیگر را به دوش می‌کشیدند. طبقه‌ی دیگر ایل که از نظر کلی دارای ارزش کمتری بود و در قاعده‌ی هرم قرار داشت کاسب‌ها، نوازندگان، کلاه مال‌ها، نمد مال‌ها، و سازندگان ابزار دستی (غربتی‌ها) بودند. (به استناد مطالعات دیگر، ۱۳۶۹: ۴۲-۴۳) این برداشت تقویت می‌شود و بخشی از مشاغل اجتماعی نه تنها به سبب اقتصادی آن، بلکه به علت موقعیتی که داشت درخور توجه ویژه‌ای بود. شغل کشاورزی و دادوستد به هیچ وجه در بختیاری‌ها سبب نفرت و موجب تحقیر نمی‌شد. برعکس سایر پیشه‌های فنی و ساختنی (غیر از بافندگی) برایشان چنین بود؛ مشاغلی که ضعیف‌ترین بخش را در فرهنگ بختیاری تشکیل می‌داد. بعضی از این پیشه‌ها مثل تخت-کشی، گیوه‌کشی، نمدمالی، و آهنگری در کل در فعالیت‌های کوچ نشینان نبود و انجام دادن این امور به صنعتگران متخصص واگذار می‌شد، که در بختیاری از آنها با واژه‌ی کلی غربتی یاد می‌شد، که به معنی بیگانه از ایل است. به‌رغم تخصص ویژه آنها در این فنون و انحصاری بودنشان، بختیاری‌ها آنها را به شدت تحقیر می‌شمردند. (فریدون الهیاری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵ - ۵۰) بنابراین مطابق این برداشت و با در نظر گرفتن شاخص‌های ادراکی، مدیریتی و اجتماعی شهروندان که مبنای مطالعات سایر محققین قرار گرفته است چنین بنظر می‌رسد که این متغیرها در دوره‌های قبل از انقلاب اسلامی در ایجاد تعهد و حس تعلق قوم بختیاری به آرمان انقلاب تاثیرگذار بوده است. علاوه بر قاطبه مردم بختیاری به‌علت موارد فوق بدیهی است که بسیاری از نخبگان بختیاری‌ها در مبارزات دوران انقلاب نقش فراوانی داشتند و در مناطق بختیاری-نشین در خوزستان، اصفهان و چهارمحال بختیاری و شهرهایی همچون ایذه، مسجد سلیمان، لالی، الیگودرز، فارسان و... تظاهرات گسترده داشتند و شهادتی تقدیم انقلاب نمودند.

در اوایل انقلاب نیز در چندین نوبت با امام خمینی دیدار داشتند. اولین دیدار بختیاری‌ها

با امام در روز ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ در مدرسه علوی تهران انجام شد و ۱۵۰۰ نفر از ایل بختیاری با امام خمینی بیعت کردند. حرکتی که از منطقه چغاخور محل تاریخی ایل بختیاری و بختیاری-های بخش بلداجی در استان چهارمحال بختیاری شروع شد و در تاریخ ۱۹ و ۲۰ بهمن ۵۷ به همراه سایر نمایندگان طوایف بختیاری چهانگ و هفت لنگ از سراسر کشور در مدرسه علوی با امام بیعت کردند. در برخی مطبوعات آن زمان خبر این دیدار به عنوان بیعت بختیاری‌ها با امام منعکس شد. دیدارهای دیگری از سایر مناطق بختیاری در کشور با امام خمینی در تاریخ‌های ۱۹ فروردین ۵۸، ۲۱ فروردین ۵۸ و ۱۸ شهریور ۵۸ انجام شد و امام در این دیدار سخنانی ایراد کردند که در کتاب صحیفه نور (مجموعه سخنان امام خمینی) ثبت شده است.

پذیرش رهنمون سازی امام خمینی^(۵) بعنوان معمار انقلاب اسلامی

حضرت امام بر نقش بیشتر از خود تاکید داشتند و معتقد بودند که رهبر به عنوان یک فرد از اهمیت چندانی برخوردار نیست مگر اینکه از بطن قشری هدایت کننده برخیزد و به عنوان نماینده آن قیام کند. تاکید امام در سخنرانی‌های خود مبنی بر اینکه انقلاب متکی به فرد یا شخصیت خاص نبوده است؛ آنجا که می‌فرمایند: اگر من نباشم باز خود ملت هست. بیانگر عدم اعتقاد ایشان به پیشوا سالاری، نخبه‌گرایی و یا اتکاء نهضت به فرد می‌باشد. با وجود این، آن حضرت وجود نوعی عقبه یعنی روحانیت را برای پشتیبانی رهبری، از ارکان مهم نهضت تلقی می‌کنند.

چرا که این قشر می‌تواند با تبلیغات وسیع و همه جانبه مذهبی، نقش عمده‌ای در ارتقاء اجتماعی و سیاسی و مذهبی مردی ایفا نموده و از پایگاه مساجد برای معرفی حقانیت ملت و نهضت همگانی ایران بهره برداری نماید. استناد به سخنان امام خمینی در این مقوله لزوم کنار گذاشتن سیستم پاتریمونیال حاکم در قوم بختیاری در سطوح مختلف اجتماعی و سیاسی ضرورت پیدا می‌کند. به تعبیر روشن‌تر حضرت امام با چنین رهنمون سازی از مبارزات ضد شاهنشاهی و بعدها مدیریت اجتماعی و انقلابی متغیرهای نوینی از رهبری نخبگان را ترسیم می‌کند. چنانچه در حال حاضر در بسیاری از کشورهای با سیستم طایفه‌ای شاهد هستیم، کنار گذاشتن منافع حاصل از ملوک الطوایفی و پذیرش واقعیت‌های نوینی از قبیل فرآیند دولت-ملت می‌باشد که مشکلات اسفناکی در این راستا برای مردم و سرزمین متبوع خود ایجاد کرده است. به جرات می‌توان گفت ترجیح مصلحت ملی و پذیرش رهنمون سازی حضرت امام خمینی حول محور فوق الذکر اولین اقدام شایسته تقدیر نخبگان فکری و ابزاری قوم بختیاری در این خصوص است.

پذیرش لزوم ادغام همگانی طبقات در مفهومی بنام توده

از جمله مسائل که حضرت امام در مورد توده‌های عظیم مردمی تاکید داشتند، وحدت کلمه و مشارکت سیاسی گسترده مردم بود. حضرت امام اتحاد و یکپارچگی، اتفاق آراء و توجه یکپارچه مردم به شکست طاغوت و وحدت اساسی اعتصام به حبل الله را عامل استمرار حضور یکپارچه مردم در صحنه و دخالت آنان در سیاست می‌دانستند و معتقد بودند که بسیج توده‌ها یکپارچگی و همبستگی اقشار به یکدیگر و حضور آنان در جریان انقلاب و مبارزه باعزم و اراده‌ای پولادین عاملی عمده در پیروزی نهضت و تعیین مقدرات کشور به دست خود مردم به حساب می‌آید که در این رابطه وحدت توده ملت با نیروی نظامی و پیوند ارتش، ژاندارمری و شهربانی با ملت از مصادیق عمده وحدت کلمه و ضامن پیروزی نهضت بشمار می‌آید. چنین برداشتی از مشارکت نخبگان، مقدمه‌ای بر فهم بدیهیات پروسه دولت-ملت و به نوعی ریل‌گذاری برای پیاده‌سازی آن است. بنابراین نقش قوم‌بختیاری در وقوع انقلاب اسلامی و جایگاه آنان در ساختار قدرت در ایران پس از انقلاب با تاسی از چنین رهنمودهایی و ادغام در توده ملت و پذیرش مسئولیت‌های انقلابی و مشارکت مدنی به‌عنوان شهروندان در همه مقاطع نیازمند اثبات نیست.

نتیجه‌گیری

خواست غایی نظام‌های دموکراتیک پیوسته بر نقش مردم و از بین بردن کلیه مظاهر استبداد، دیکتاتوری و نظام پاتریمونیال و تکیه بر قدرت توده مردم بود و این نکته کلیدی است که در این مقاله بر آن اصرار می‌شود زیرا از دید اکثر نویسندگان کمتر به آن پرداخته شده است و به نقش مردم و توده‌ها (قشر خاکستری) کمتر توجه شده است، توده‌هایی که نه حق خواستن داشتند و سعی نکردند که بخواهند و هرگز هم در مقام پرسش بر نیامدند و اگر زمانی هم به صورت محدود خواستند چون مقلد بودند و خواست خودشان نبود، جریان مطالبات و نقش آفرینی آنها تداوم نداشت و خیلی سریع خاموش می‌شد. زیرا مطابق آنچه که در چارچوب نظری این مقاله اشاره گردید. ملاک نخبگی متغیرهایی از قبیل تکنوکراسی (فن‌سالاری)، سنتی و مذهبی، مالکیت، کاریزماتیک، سمبولیک، ایدئولوژیک می‌باشد. در جریان این تحقیق به مهمترین افراد شاخص نخبگی بختیاری از انقلاب مشروطه تا قبل از سال ۱۳۵۷ پرداخته شد. شخصیت‌های تاثیرگذاری از قبیل سردار اسعد بختیاری، صمصام السلطنه بختیاری، ضرغام السلطنه بختیاری، سردار مریم بختیاری و لطفعلی خان امیرمفخم بختیاری در دوران مشروطه و یا افرادی از قبیل جعفرقلی خان اسعد، محمدتقی خان بختیاری و علیمردان خان بختیاری

در دوران پهلوی و حتی شاپور بختیار، تیمور بختیار و ثریا اسفندیاری بختیاری می‌باشند که در واقع گروه کوچک و بسته‌ای از افراد اطلاق هستند که از توانایی‌ها و امکانات برتری برخوردارند ولی ابزارهای اعمال قدرت کافی در اختیار نداشتند. چنانچه گفته شد، ماهیت و اهداف جوامع عمدتاً توسط نخبگان آن تعیین می‌شود. مطابق این نظر، شکل‌گیری هویت-های قومی، نتیجه نقش نخبگان در بسیج توده‌ها در شکل‌دادن به یک سیاست است حقیقتی که در جریان پیروزی انقلاب اسلامی خلاف آن ثابت شد و در جریان انقلاب و رهبری امام خمینی قشر خاکستری (توده مردم بختیاری) وارد عمل شدند و در جریان نفسگیر انقلاب جانب شاپور بختیار را نگرفته‌اند. این رخداد حکایت از این واقعیت دارد که متغیرهای تاثیرگذار نخبگان بختیاری قبل از انقلاب مبتنی بر مالکیت صرف بوده است و سایر متغیرهای تاثیرگذار نخبگی از نظر گی روشه که شامل تکنوکراسی، سنتی و مذهبی، مالکیت، کاریزماتیک، سمبولیک، ایدئولوژیک هستند را دارا نمی‌باشند. هرچند که نخبگان مالکیت مالکین بزرگ ارضی و ثروت، اموال و قدرتی دارند که نوعاً اقتداربخش و نفوذآفرین است. اما توانایی مالی و مالکیت این نخبگان در این دوره امکان تحرک و پشتیبانی اجتماعی را نداشته است که بتواند سایر نخبگان سنتی و یا تکنوکرات و ایدئولوژیک فشار وارد کرده و برای خود قدرت اجتماعی کسب نماید. زیرا اگر این مهم رخ می‌داد تصمیمات این گروه از نخبگان بختیاری می‌توانست در زندگی سیاسی و اجتماعی ایلات بختیاری اثر بگذارد یا برعکس از انجام این تغییرات (انقلاب ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی) در جامعه جلوگیری می‌کرد. حقیقتی که در ۱۳۵۷ رخ نشان می‌دهد که نخبگان فکری بختیاری همان‌هایی نیستند که در بدنه مالکیت و ثروت درباری غوطه ور بودند بلکه دقیقاً بدنه توده ایلات بختیاری و همچنین بسیاری از جوانان گمنام بختیاری مطالبه‌گر بودند که در مصاف جریان مالکیت و ثروت نخبگان درباری با متغیر کاریزماتیکی امام خمینی^(۶)، جانب جریان انقلاب را گرفته و در پیروزی نهایی آن نقش برجسته‌ای داشتند. در این راستا به‌عنوان شاهد مدعا عدم حمایت و پشتیبانی شاپور بختیار و سایر ملاکین به‌عنوان خائن به وطن توسط قاطبه مردم بختیاری و مشارکت فعالانه و مثال زدنی بسیاری از چهره-های بختیاری در تحولات پیروزی انقلاب و جنگ هشت ساله را می‌توان مثال زد. به‌رحال واقعیت این است که این بار به کمک نخبگان ابزاری (توده مردم بختیاری) و نه فکری (ملاکین درباری) در سالیان بعد و در زمان رهبری امام خمینی متغیرهای تاثیرگذار بر مقوله نخبگی مبتنی بر پذیرش نقش مردم قرار گرفت و نخبگان ابزاری (قاطبه ایلات بختیاری) و نخبگان فکری جدید بختیاری (جوانان انقلابی بختیاری با رویکرد جدید مبتنی بر رهبری امام

خمینی و ارمان‌های ایدئولوژیکی) به نحو مطلوب مورد پذیرش و تقدیر قرار دادند و همانگونه که گفته شد با محور قرار دادن مکتب فکری و رهنمون سازی امام به‌جای توسل به سنت پدرسالاری گذشته زمینه وحدت کلمه و مشارکت سیاسی گسترده را فراهم نمودند. چنین رویکردی از رهبری امام خمینی، مقدمه‌ای بر فهم بدیهیات دولت-ملت و به پیاده سازی آن است. بنابراین نقش قوم‌بختیاری در وقوع انقلاب اسلامی و جایگاه آنان در ساختار قدرت در ایران پس از انقلاب با عدم تکرار تجربیات تلخ گذشته در زمان انقلاب و بعد از آن نظام پاتریمونیال را مردود و با نگاه مدرن و روزآمد با توسل به رهبری کاریزماتیک در توده ملت ادغام و با پذیرش مسئولیت‌های انقلابی متنوع و مشارکت مدنی گسترده در قالب شخصیت-های حقوقی به‌عنوان شهروندان مدنی به این مهم بسیار کمک شایانی نمودند. با این توضیح در همه مقاطع مخلف انقلاب و بعد از آن گروه‌های فرصت‌طلب اقدام به تجزیه طلبی نموده ولی قوم‌بختیاری نه تنها در این خصوص هیچ سبقه منفی از خود بجا نگذاشت بلکه در در استای مفاهیم نوین و مدرن بر بسیاری از سنت‌های معمول ایلی خود خط بطلان کشید و راه مدنیت و دموکراسی را بدون آشوب و اغتشاش هموار نمود.

منابع فارسی

کتاب

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۶) مقالاتی در جامعه‌شناسی ایران، ترجمه س، ترابی فارسانی، تهران، نشر پژوهش شیرازه، چاپ اول
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۰)، مدرنیته ایرانی (روشنفکران و پارادایم عقب‌ماندگی در ایران)، تهران، نشر اجتماع، چاپ اول
- آهنجیده، اسفندیار (۱۳۷۴)، ایل بختیاری و مشروطیت، اراک، انتشارات ذره‌بین
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶)، ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران، نشر قومس
- امیری، جهاندار (۱۳۸۳)، روشنفکری و سیاست (بررسی تحولات روشنفکری در ایران معاصر)، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول
- امیری، مهرباب (۱۳۸۵)، حکومتگران بختیاری، تهران، بازی تیگر
- باتامور، تی بی (۱۳۶۹)، نخبگان و جامعه، ترجمه علیرضا طیب، تهران، دانشگاه تهران
- بهنام، جمشید (۱۳۸۳)، ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران، انتشارات فرزانه روز، چاپ دوم
- تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۲). تجربه بازی سیاسی در میان ایرانیان. تهران: انتشارات نشر نی. چاپ اول.
- دیگار، ژان پییر (۱۳۶۹)، فنون کوچ‌نشینی بختیاری‌ها، ترجمه اصغر کریمی، مشهد، آستان قدس رضوی
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات سمت
- شیرانیان، علی نجات (۱۳۸۴)، سیری در تاریخ بختیاری، فرخ شهر، جهان بین
- فوران، جان (۱۳۸۹)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پیش از انقلاب، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات رسا، چاپ دهم
- کوئن، بروس (۱۳۸۲)، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، توتیا
- گارثویت، جن. راف (۱۳۷۳)، تاریخ سیاسی، اجتماعی بختیاری، ترجمه مهرباب امیری، تهران، سهند
- (۱۳۷۵)، بختیاری در آیین تاریخ، ترجمه مهرباب امیری، آنزان
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۳)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، جلد ۲ و ۶، انتشارات علمی

مقالات

- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۲)، مکتب نخبه‌گرایی و بنیان آن، مجله سیاست خارجی، سال ۷، شماره ۴
- افشون، مهرداد (۱۳۸۷)، فراز و فرود قدرت تیمور بختیار، همایش ملی جامعه بختیاری و تحولات ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجد سلیمان
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۸۷)، نقش بختیاری‌ها در انقلاب مشروطه از فتح اصفهان تا فتح تهران، همایش ملی جامعه بختیاری و تحولات ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجد سلیمان
- محمدرضا علم، بیژن بهرامی کهبیش نژاد (۱۳۸۷)، علل و زمینه‌های ورود بختیاری‌ها به انقلاب مشروطیت، همایش ملی جامعه بختیاری و تحولات ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجد سلیمان
- فریدون الهیاری و دیگران، بررسی تحلیلی ساختار قدرت سیاسی اجتماعی در ایل بختیاری از قاجاریه تا انقلاب اسلامی، جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان
- محمود کتابی، اسماعیل شفیعی، فرهاد نوایی (۱۳۹۵)، نقش مؤلفه‌های مختلف در جهتگیری فرهنگ سیاسی نخبگان پهلوی دوم، فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، زمستان

English Resources

- Leonhard, J. (2006), **Nation-States And Wars**. In Timothy Baycroft, Mark Hewitson (Editor), *What Is A Nation: Europe 1789- 1914*, Oxford, New York: Oxford University Press
- McCrone, D. (1998), **The sociology of nationalism Tomorrow's ancestors**. International library of sociology. London: Routledge
- Sejersted, F. (2003), **Nationalism In The Epoch Of Organised Capitalism – Norway And Sweden Choosing Different Paths**. In Alice Teichova, Herbert Matis (Editor), *Nation, State, And The Economy In History*, Cambridge University Press
- Zuelow, E. (2007), **National identity and tourism in twentieth-century Ireland**. *Nationalism in a Global Era: The Persistence of Nations*